

سخنی چند درباره زندگی و آثار ویکتور هوگو

در میان اوراق پرحوادث و عبرت آموز تاریخ جهان، گاهگاهی به مردان بزرگ و گرانمایه ای برمی خوریم که پا را از حدود زمان و مکان فراتر نهاده و با اندیشه تابناک و نبوغ اعجاب آور و تحسین آمیز خود، محیط خفقان آور و تنگ مادی را شکسته، تاریکی ها و آلام و مصائب زندگی را به یک سو نهاده و انسان دردمند و راه گم کرده را به شاهراه سعادت و نیکبختی رهنمون شده اند.

این خداوندان ذوق و هنر، سال ها همچون پروانه پاکباخته و عاشقی که بی محابا به دامن آتش می رود و جان شیرین را می سوزاند، در تلخکامی و حرمان و درد سوخته اند تا بالاخره توانسته اند شاهکاری بزرگ و جاویدان به وجود آورند. بدون تحمل آن همه رنج و سوختگی، هیچ نویسنده و نقاش و موسیقیدان و شاعری هرگز نتوانسته است اثر بدیع و ارزنده ای زینت افزای بوستان پر گل و ریحان ادبیات و هنر سازد.

آن نوازنده چیره دست و توانایی که با پنجه های افسونگر و سحر خویش به اعماق قلب انسان رخنه و نفوذ می کند؛ آن صورتگر هنرمندی که از رشته های بی جان قلم مو، مناظر جاندار و گویایی پدید می آورد و بالاخره آن نویسنده و شاعر خوش قریحه و سخن سنج و نکته دانی که بهتر

و ظریف‌تر از دیگران اشارت‌های ابرو و پیچ و تاب زلف یار را می‌بیند و تشریح می‌کند، از آن جهت عزیز و گرامی است که با سوزش خویش چراغی فراراه عاشقان گم‌گشته این وادی پهناور بیکرانه نهاده و بر دل‌های دردمند و مجروح آدمی مرهم گذارده است.

رواق و شکوه و عظمت و جلال کنونی گلزار شعر و ادب جهان، مرهون افکار و اندیشه‌های مردان بسیاری است. آنان هر یک به فراخور تفکر و استنباط و قضاوت خویش در این گلزار، گلی کاشته و ترانه و نغمه‌ای سروده‌اند و اگرچه خود در چهار دیوار کشور ویژه‌ای دیده به جهان گشوده و در همان دیار در خاک خفته‌اند، ولی قیود و عادات را شکسته، در قلوب تمام مردم گیتی جا برای خویش باز کرده‌اند، زیرا مگر نه بوی گل هر بامداد از حصار باغچه‌ها می‌گذرد و مشام جان را معطر می‌سازد؟

سعدی و حافظ هر چند نغمه ملکوتی و حیات‌بخش و شیرین خود را در هوای دلکش و طرب‌انگیز شیراز سروده‌اند، ولی آنان به دنیا تعلق دارند، زیرا سخن‌شان زبان گویای هر بشر زنده‌ای است و انسان نیز با تمام اختلافات زبان و رنگ و قیافه، احساسات و تمایلات متشابه و یکنواختی دارد.

نه تنها شعر و غزل سعدی و حافظ شیراز، بلکه سخن هایینه و گوته آلمان، پوشکین و تولستوی و لرماتتوف و گورکی روسیه، شکسپیر و اسکار وایلد انگلستان و ویکتور هوگو و لامارتین و شاتوبریان فرانسه نیز به دنیا تعلق دارند، زیرا زبان مردم رنج‌دیده و سوخته دنیا هستند.

متأسفانه در این کتاب مجال سخن برای نوشتن شرح زندگی و آثار همه سراینندگان و گویندگان نیست، در اینجا فقط می‌باید از ویکتور هوگو شاعر و نویسنده و تئاتر‌نویس بزرگ فرانسه سخن به میان آورد، زیرا کتاب

حاضر نیز از او است.

این نویسنده و شاعر گرانبمایه و بشردوست در ۲۶ فوریه سال ۱۸۰۲ در بزانتون دیده به جهان گشود. ایام کودکی به همراه پدر خویش در سفر بود و چون هنگام تحصیلش فرا رسید، به دبستان رفت و پس از مدتی با مساعدت دو برادر دیگر خود که از وی بزرگ‌تر بودند، به انتشار روزنامه‌ای همت گماشت. او از چهارده سالگی شروع به نویسندگی کرد و به اندک زمانی در کار ادبی توفیق یافته و در نتیجه مقدمه‌ای که بر نمایشنامه «کرمول» نوشت، به‌عنوان پایه‌گذار سبک رمانتیسیم در ادبیات فرانسه شناخته شد.

عشق به نویسندگی و بلندپروازی وی از همان دوران جوانی همچون کوره پرهیجان اخگری زبانه می‌کشید. او نمی‌خواست همچون نویسندگان و شاعران کم‌مایه بازاری، کالای بی‌روتق و مبتذل به جهان عرضه دارد، دل او در هوای پریدن به مکان‌ها و بلندی‌هایی که دست هیچ بشری به آن نرسیده و خیال هیچ‌کس در آن گوشه‌ها به پرواز درنیامده است، می‌تپید!

او از خواندن اشعار زیبای شاتوبریان لذت می‌برد و در آغاز کار نویسندگی می‌گفت: می‌خواهم شاتوبریان باشم، یا هیچ!

بعدها همین نویسنده به مقامی رسید که تمام بزرگان و نویسندگان و هنرمندان در برابر بزرگی و عظمتش سر تعظیم فرود آوردند. او در حقیقت به آرزوی بزرگ خود نائل آمد و توانست شاهین خیال و اندیشه را تا به آنجا که مطلوب و آرزوی نهایی‌اش بود به پرواز آورد. همان‌طوری که سعدی با نوشتن گلستان، خود را جاوید و جهانی ساخت، هوگو نیز با آثاری همانند: بینوایان و گوژپشت نتردام و کارگران دریا و مردی که می‌خندد و ناپلئون کوچک و اشعار و قطعات زیبا و دل‌انگیز و بی‌نظیرش.

- و با پایه‌گذاری مکتب رمانتیسزم در ادبیات و هنر - نام خود را زنده و جاویدان نمود.

هنر نویسندگی و هدف قهرمانان داستان‌های هوگو همواره موضوعات اخلاقی است و او می‌کوشد فساد و آلودگی و تباهی و راه‌رهایی از آن را در برابر خوانندگان مجسم سازد. شما با خواندن کتاب‌های هوگو گذشته از اینکه از مزایای یک داستان بهره‌مند شده و لذت می‌برید، در ضمن نیز با وضوح بسیاری به خصوصیات زندگی، عرف و عادات و اخلاق و طرز حکومت آن مردمی که وی قهرمان داستان‌های خود را از آن میان برگزیده است، پی خواهید برد و با زندگی مردم آن دوره و حتی چگونگی ساختمان‌های آن زمان را خواهید شناخت.

کتاب‌های هوگو همگی بکر و بدیع و ارزنده است. اگر گروهی از نویسندگان و هنرمندان در تمام دوران کار ادبی و هنری خویش فقط یک اثر ارزنده و شاهکار دارند، ویکتور هوگو گذشته از «بینویان» چندین اثر بدیع دیگر نیز دارد که یکی از آنها همین کتاب حاضر است.

Notre-dame do Paris یا «گوژپشت نوتردام» که خوانندگان عزیز آن را در دست دارند، اثر زیبا و شاهکار جاویدان و بزرگی است که پس از بینویان در ردیف بهترین کتاب‌های اوست. این کتاب از یک حادثه تاریخی الهام گرفته و رنگ آمیزی عاشقانه‌ای دارد. در میان اوراق این کتاب شما قهرمانان شگفت‌انگیزی را با صورت‌ها و سیرت‌های گوناگون خواهید یافت که هر کدام آرام آرام به دنبال سرنوشت خویش روانند.

سبک داستان همچون دریای آرامی است که رفته‌رفته توفان خیز می‌شود و سکون و آرامش را از خود دور می‌سازد، جالب توجه و بسیار گیرنده و قوی است و خواننده هر چقدر جلوتر می‌رود و اوراق بیشتری را پشت سر می‌گذارد، برای دانستن پایان داستان حریص‌تر است، به‌طوری

که اگر خواننده عجول و کم‌حوصله‌ای بتواند در شروع داستان کتاب را برهم نهاده و از خواندن آن چشم‌پوشد، مسلماً در وسط داستان نخواهد توانست.

راز کار نویسندگی و موفقیت شگرف و عالم‌گیر هوگو نیز در همین نکته نهفته است که او برخلاف دیگر داستان‌سرایان در آغاز کار چابک و در پایان و امانده نیست. هوگو در داستان‌سرایی بسیار تیزبین و نکته‌سنج است. او همچون هنرمندی که تابلو نفیسی زیر دست دارد، خوب می‌داند که مورد استعمال هر یک از رنگ‌ها کجاست.

این خردمند داهی، خواننده را آرام آرام به دنبال خود می‌کشد. در شهر بزرگی همچون پاریس می‌گرداند و شما همین که چند صد قدم همراه او رفتید، دیگر نمی‌توانید باز گردید. یک نیرویی که می‌توان آن را خلاقیت و هنرمندی و ابتکار نام نهاد، خواه ناخواه شما را تا پایان داستان با خود می‌برد.

در این کتاب، شما نمونه‌های گوناگونی از زندگی را می‌بینید: انحراف و سقوط یک کشیش، هرزگی و ولنگاری یک طلبه، عیاشی و بدعهدی یک افسر، عشق و علاقه پابرجا و شدید یک دختر کولی، فداکاری و از خودگذشتگی یک هیولای آدم‌نما و خلاصه تمام مردم پاریس را از ولگردان و کولی‌ها و دزدان گرفته تا لژی یازدهم خواهید شناخت.

هوگو در این کتاب اعجاز می‌کند و با آن مهارت و چیره‌دستی که از خصوصیات نویسندگی اوست، انسانیت و از جان‌گذشتگی آدمی را که از همه جا رانده شده و پشت و پناهی ندارد و به‌واسطه زشتی خویش مطرود همه است، آنقدر خوب و استادانه رنگ آمیزی نموده و مجسم می‌سازد که بهتر از آن امکان‌پذیر نیست. این هیولای گوژپشتی که تقریباً در همه جای کتاب به چشم می‌خورد و در واقع قهرمان داستان است در برابر